



کشکول محتشمی

یکی از رجال عالیمقام و نیکنام علم دین و سیاست قرن اخیر ایران، مرحوم حاج حسن اسفندیاری محتشم السلطنه است که اصالت نسب و جلالت حسب و حدت ذهن و وسعت اطلاع و طهارت فطرت و سمو مرتبت وجودت فریحه و حسن ذوق را در وجود ذیجود خود فراهم آورده بود. وی بسائقه تربیت اصیل خانوادگی و در نتیجه تحقیق و تتبع آثار عالمان و فقیهان و عارفان و شاعران، بالهیات و مسائل دینی علاقه و دل بستگی فراوان داشت و روزان شبان، با عطشی فراوان و حرصی زائد از حد بیان، در دریای پهناور و ژرف و بیکران معارف اسلامی، آکنده بگوهرهای رخشنده و مرواریدهای خیره کننده حکمت و فلسفه و عرفان، غوطه میزد. با آنکه درزی اهل دیوان و محل رتق و فتق امور مردمان بود و تارو زهای واپسین عمر، کسوت وزارت و ریاست و خلعت قیادت و زعامت بر تن داشت، لحظه ای از کسب علوم و معارف و تحصیل عوائد و عوارف فارغ و غافل نماند. ولی بچشم خرد خرده بین و بدیده عقل انصاف نگر، در محاسن و فضائل او، آنچه که بیش از همه، در خورستایش است، عاطفه مردم نوازی و غریزه مردم داری و خصال دستگیری از پا در افتادگان است. خانه او، نه تنها محل و موضع بحث و نقد و غور و فحص اصحاب معرفت و ارباب بصیرت، مانند میرزا طاهر تنکابنی و میرزا محمد جناب و سید احمد رضوی ادیب پیشاوری و صدرالافاضل و شریعتمتداد نودی و شیخ محمد حسین نجفی و شریعت سنگلجی رحمة الله علیهم اجمعین بود بلکه دولترای اولجاء و مرجع مظلومان و مستمندان و بیچارگان بشمار میرفت. او از یکسو، گوش بقال و مقال مباحثه و منافسه عالمان و حکیمان و فقیهان داشت و از سوئی دیگر، خامه برنامه توصیه برای محتاجان و بینوایان می گذاشت و در هر حال، روز و شب چشم و گوش و زبان و فکر و دست و پایش در خدمت علم و مردم گردش و جنبش داشت. با اینهمه، هیچ مقام و منصب و عنوان و طنطنه و طمطراق اسباب جهان او را غره نمی کرد و از تواضع ذاتی و فروتنی جلی و درویشی فطری او ذره ای نمی کاست، منظرش، با آن چهره نورانی و موی سپید

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه برسد نشان ستاره آرزو بر جبهات صیانت ناکام عمل برتر
گفتند که زیارت تو مبارک است تعالی در حق جنت بر تو برسد برکت
عاشق در راهت نشویم دشمن نگردد

عز الشیخ المصلی له علیه وآله من سلم العلم لا تکفید مات جاهلاً
سلم العلم من طره نازیه سفار من سلم العلم لفقول ذوق العلم
سفار من سلم العلم لکرمه انال مات ذنوباً من سلم العلم
لسلم مات عارفاً

مآست بیگانه

باز درین کتب بگردید که در کتب قدیم است

و سیمای نجیب و اصیل و رفتار موقر و سنگین و محضرش، با آن عذوبت بیان و طلاقت لسان و جدهای آمیخته بطنز، ارزنده و آموزنده و ادب پرور و حکمت گستر بود.

مرحوم اسفندیاری در فقه و اصول و کلام و معانی و بیان و حکمت و عرفان و علم حدیث و رجال و انساب و خلاصه رشته‌های معقول و منقول و ادب فارسی و عربی قوی مایه و بلند پایه بود. خط را، بخصوص نستعلیق، شیرین و خوب مینوشت و گاه بگاہ بطایع آزمائی میرداخت و شعر میسرود. در زبان فرانسه و انگلیسی و آلمانی چیره دست بود ولی هیچگاه مانند خامان نوچرخ و ناپختگان تازه از فرنگ برگشته، در ضمن گفتگو، با ذکر کلمات و اصطلاحات بیگانه، خود نمائی نمیکرد و معلومات خود را برخ مخاطبان نمی کشید.

«پار و نیای مرحوم اسفندیاری از اکابر و اعظم قوم و اغلب صدر نشین مقامات دولت و مصلحت بین مهمات ملت بودند. پدرش مرحوم میرزا محمد خان صدیق الملک نوری یوشی، در سلطنت ناصرالدین شاه بسالیان دراز وزیر امور خارجه بود. عموی پدرش محمد رضاخان حکمران (رستم‌دار) یکی از رقیبان سرسخت آقا محمد خان قاجار و شرح جنگهای آنان در تاریخ قاجاریه و زندیه معروف است. اسفندیار و کیا جمال الدین و ملک جهانگیر و کیومرث بن بیستول (جلال الدوله) و گاو باره اسپهبد خود شید (دا بویه) و اسپهبد شهریار پسر (بادوسپان) مؤسس سلسله بادوسپانیان و گیلانشاه که در نور و کجور و رستم‌دار و بیگاو طبرستان و جزر و حتی سقلا ب سالها حکومت و فرمانروائی داشته اند از اجداد او بشمار میروند. نیایش، صدیق الملک و محمد مهدی خان امیر مظفر و ابراهیم خان عظام السلطنه و محمد اسمعیل خان وکیل الملک نوری (جد نوریهای کرمان) و علامه نوری و محمد ولی خان سراج الدوله و میرزا یوسف حکیم و فیلسوف و شاعر قرن سیزدهم و بزرگان خانوادہ‌های نائیجی ها و بهزادیها همه از دودمان اسفندیاری و از سرشناسان تاریخ اخیر ایران هستند.

حاج محشم السلطنه، در روز عید سعید غدیر سال ۱۲۸۳ هجری قمری در تهران بدنیا

کتابخانه کتب خطی و کتب چاپی و کتب نفیسه و کتب
 نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه
 کتب نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه
 کتب نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه
 کتب نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه

عربی صلی الله علیه و آله من کتب غنیمت و کتب نفیسه و کتب نفیسه
 ان شاء الله تعالی و کتب نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه
 الا ان شاء الله تعالی

تقدیم

فرماندهای عالی و کتب نفیسه
 کتب نفیسه و کتب نفیسه و کتب نفیسه

آمد و در تاریخ دهم ربیع الاول سال ۱۳۶۴ هجری قمری، برابر پنجم اسفند ۱۳۲۳ شمسی، در هشتاد و یک سالگی بر حمت ایزدی پیوست و با مراسم تشییع مجلل و شکوهمند در مقبره شخصی ابن بابویه بخاک سپرده شد. تألیفات وی در حدود هشت جلد است مانند کتاب قضا و شهادات ترجمه قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام ابن منصور حسن بن مطهر المحلی - ترجمه و تحشیه فصوص الحکم معنی الدین عربی - شرایع محقق - ترجمه دوره فقه از طهارت تادیات - منتخبات شمس المعارف - علل بدبختی و علاج آن - مجموعه حکایات و امثله اخلاقی - مجموعه های کوچک ترجمه از عربی و فرانسه و آلمانی در مسائل سیاسی و حقوقی و ریاضی و بهداشتی و اخلاقی - اخلاق محتشمی»

اسفندیاری شش پسر و دو دختر داشت. یکی از آنان که مدار مقاله امروز ما بردور او چرخ میزند تیمسار سر تیب دکتر حسنعلی اسفندیاری است که از لحاظ دینداری و مردم نوازی و مکارم اخلاقی و فضائل روحانی و تقید با آداب و رسوم ملی و رعایت راه و رسم ایرانی خلف الصدق پدر است. ایشان پس از تکمیل تحصیلات پزشکی در آلمان بایران آمد و بسا ائمه استعداد جلیلی و معلومات اکتسابی، مقامات مختلف از معلمی دانشکده پزشکی و ریاست بخش بیماریهای واگیر و آمیزشی بیمارستان پهلوی ارتش و ریاست بهداری دانشکده افسری و ریاست بهداری دخانیات و سرپرستی دانشجویان ایرانی در امریکا و عضویت هیئت عامل سازمان برنامه را در کمال امانت و درایت عهده دار شد و اینک نیز با سمت سناتور و انتصابی تهران در مجلس سنا انجام وظیفه میکند. یکی از مظاهر فرهنگ پروری و هنر دوستی دکتر اسفندیاری تهیه و طبع و نشر رباعیات عمر خیام است که از لحاظ خط و کاغذ و جلد و تصویر در نهایت بداعت و نقاست و فخامت میباشد و تا کسی آنرا بدقت نهیند نمیتواند پایه و مسأله ذوق و

۱- این قسمت شرح حال از قسمت مؤخر چاپ دوم کتاب اخلاق محتشمی که در سال ۱۳۴۸
 بطبع رسیده است بقلم آقای عطاء الله زاهد شیرازی نقل شد.

اینگار و تلاش و کوشش و ارزش خدمت دکتر اسفندیاری پی ببرد. تصاویر این کتاب همه ریخته نامه سحر آمیز و شاهکار انگیز استاد طاهر بهزاد مینیاتور ساز و چهره پرداز قرن اخیر ایرانست که پس از مرگ او دیگر مادر آزادگان کم آرد فرزند و این کتاب یکبار از طرف دولت (وزارت امور خارجه) در ژاپون بچاپ رسید و در ایران بعنوان هدیه ای ارزنده و ارمانی شایسته بمقامات عالی خارجی بهمان دولت داده میشد و بزودی در بازار نیاب شد. اخیراً چاپ دومی از این کتاب تهیه شده که آنهم با هجوم مشتاقان هنردوست داخلی و خارجی در شرف اتمام است.

دکتر اسفندیاری چندی پیش برسبیل تصادف در ضمن اثاثه و لوازم برادر شریف و فقیه خود مرحوم منظم السلطنه فتح الله نوری اسفندیاری رحمت الله علیه، کتابی پیدا کرده که اگر توجه نمی یافت جزء اوراق باطله بجا رو رفته و شاید نسا بود میشد. اوراق این کتاب بسی شیرازه و پریشیده و پراکنده بخوبی زیبایی نستعلیق مرحوم محتشم السلطنه است، حاوی حکایات و اخبار و اطلاعات و اشعار و آمار بسیار متنوع و مختلف.

از قرار آن مرحوم، ضمن مطالعه کتابها و روزنامه ها و مجلات فارسی و عربی، بسالیان دراز مطالبی جمع آورده و با انشاء روان و ساده و با خطی خوش و زیبا نگاشته و یا عیناً نقل کرده است. خوشبختانه جز یکی دو صفحه از این کتاب مفقود نیست. آقای دکتر اسفندیاری نظر بعوالم مهر و محبت و سوابق همکاری و مصاحبت فوقی این کتاب را که در حدود ۵۳۰ صفحه بشمار می آید است در اختیار این جانب گذاشت. من پس از مرور اجمالی دریافتم که مجموعه ایست بنظم و نثر مانند ذنبیل حاجی معتمد الدوله، فرهاد میرزا نشاط و کشکول شیخ بهائی و خاطرات و خطرات حاج مخبر السلطنه هدایت و خزانه نصره الله فتحی و با امثال گلچین و جنگ و بیاض و سفینه و اطراف الطرائف بعضی از معارف قدیم و جدید که بشکل تفنن در مدت حیات تهیه میکردند و از خود باقی میگذاشتند. کتاب مرحوم اسفندیاری عنوانی نداشت ولی من آنرا «کشکول محتشمی» نامیدم و بر آن شدم که باغتمام مجال و فرصت و اقتضای مقام و موقع، قسمتهائی از آنرا در شماره های ماهنامه تحقیقی گوهر درج کنم که خوانندگان باین اثر سودمند دیگر مرحوم حاج محتشم السلطنه نیز وقوف پیدا کنند. البته فایده نام و تمام موقعی حاصل خواهد شد که این کتاب بطور مستقل طبع و نشر شود. در این شماره دو صفحه از این کتاب برای نمونه نط و ربط مرحوم محتشم السلطنه گراور میشود و در شماره های آینده قسمتهائی از آن نگاشته خواهد آمد.

رحمة الله معشر الماضین که به نیکی جهان سپردندی

تنها نقص این کتاب آنست که در اغلب مندرجات مأخذ و مدرک آنها ذکر نشده است و معلوم نیست انشاء خود آن مرحوم است یا انتخاب او. البته باید بهنگام بادرت بطبع مستقل کتاب، با تحقیق کامل، مأخذ و مدارک این مطالب معلوم و مشخص شود.

دکتر کاسمی